



سیدجلال‌ساداتیان

سفیر پیشین ایران در انگلستان

این روزها دربارۀ مهاجران افغان به ایران، در شبکه‌های مجازی و همچنین در روزنامه‌ها، مطالب و مقالات فراوانی درج می‌شود که نشان از نگرانی نسبت به حضور رو به تزاید افغان‌های مهاجر در ایران دارد؛ در این زمینه چند نکته درخور تأمل وجود دارد:

۱- از ابتدای ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی در ایران، به دلیل تهاجم و ورود نیروهای نظامی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به افغانستان و اشغال آن کشور، با کمک و تحرک و حمایت غرب، به‌خصوص ایالات متحده آمریکا، و جریان‌های وابسته به آنان حرکت جهادی و تشکل مجاهدان، اعم از سنی و شیعه، در مقابل نیروهای مهاجم شکل گرفت که سرانجام منجر به اخراج نیروهای مهاجم از افغانستان شد.

۲- اما بر اثر آن تهاجم و متقابلا مقاومت‌های شکل‌گرفته، مردمان زیادی از شهرها و مناطق خود آواره شدند و تعدادی از آنان به ایران آمدند، آمار مهاجران افغان را تا حدود سه میلیون نفر ذکر کرده‌اند که بعضا در ایران ماندگار شدند. ازدواج کردند و زندگی دائم خود را در ایران ساختند!

طالبان ومهاجران افغان

با حوادث تلخ و شیرین ناشی از حضور افغان‌های محترم در ایران، در مجموع حضور آنان تحمل‌پذیر و از بعد انسانی، رفتارهای آنان غیرسازنده تلقی نمی‌شد؛ بلکه نقش آنان در موارد بسیار مثبت و مؤثر در اقتصاد ایران به حساب می‌آمد. در سال‌های اخیر برای رفع محرومیت‌های فرزندان ناشی از ازدواج مردان افغان با زنان ایرانی که نهایتا مسئولیت خانواده و فرزندان خود را پذیرا نشده و ایران را ترک کرده و همسران خود را با چند فرزند تنها گذاشته بودند، مصوبه و قانونی در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که هویت این‌گونه فرزندان به رسمیت شناخته شود و به نام مادر برای‌شان شناسنامه و هویت ایرانی به ثبت برسد!

۳- در ماه‌های اخیر و به دنبال تهاجم و تسخیر و تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، که گفته می‌شود با توطنه و دسیسه آمریکا و حمایت‌های بی‌ریغ قطر صورت گرفته، موج جدیدی از هجوم آوارگان و مهاجران افغان به کشورهای دیگر و ازجمله به ایران را به وجود آورده است. آمار جدید را بین شش تا هشت میلیون نفر در ایران ذکر می‌کنند و همچنین از قول مقامات رسمی، تعداد ویزاهای صادره روزانه را تا پنج هزار نفر و اغلب

ادامه از صفحه ۳

به هر حال ساختار بی‌ثبات اقتصاد ایران و همچنین تصمیم‌گیری‌های غیرپایدار در کنار اقتصاد مبتنی و متکی به درآمد‌های رانتی نفتی و نیز وجود انحصارگرایی و جولان مافیای در ابعاد و سطوح مختلف تجاری ایران که بعینه شاهد آن هستیم، عملا راه را برای ورود سرمایه خارجی به ایران بسته است. زمانی که اقتصاد ایران در انحصار برخی افراد و باندهای مافیایی قرار دارد و این افراد و باندها از دلار و سکه گرفته تا واردات و صادرات خودرو، دارو، کالاهای اساسی و… را در چپیره خود دارند و در سال‌های گذشته این فضای انحصارگرایی، رانتی و مافیایی در اقتصاد کشور تشدید هم پیدا کرده است؛

به گونه‌ای که واردات، صادرات و تولید محصولات در انحصار یک فرد یا باند مافیایی خاص قرار دارد. قاعدتا در چنین شرایط نامناسبی، فضایی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی وجود ندارد. ضمن اینکه وجود فقدان زمینه مناسب برای ایجاد کسب‌وکار و نیز نوع قراردادهای تجاری خارجی در سال‌های گذشته در عدم جذب سرمایه خارجی در کشور مؤثر بوده است. در کنار آن مسائلی دیگری مانند عدم مالکیت خارجی بر شرکت‌ها و نهادهای اقتصادی و مالی ایران هم مزید بر علت است؛ چون طبق قوانین داخلی هیچ فرد و شرکت خارجی حق مالکیت بیش از ۴۹ درصد در داخل ایران را ندارد. پس طبیعی است که فضا برای جذب سرمایه خارجی در ایران وجود نداشته باشد؛ درحالی که در ترکیه نه‌تنها این موانع و عوامل بارزنده‌برای جذب سرمایه خارجی

وجود ندارد؛ بلکه مشوق‌هایی برای افزایش هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی در دستور کار دولت قرار دارد.

• افزون بر تمام عواملی که به آنها اشاره کردید «نگاه سیاست‌زده و امنیت‌زده» تا چه اندازه در عدم جذب سرمایه خارجی مؤثر بوده است. به هر حال باید پذیرفت که عملا شرایطی در داخل رقم خورده است که با وجود درخواست‌های رسمی برخی مقامات دولت مانند وزیر امور خارجه برای بازگشت ایرانیان، اتباع ایرانی مقیم دیگر کشورها هم جرت و جسارت بازگشت به ایران را نداشته باشند، چه برسد به آنکه مسئله سرمایه‌گذاری خارجی در ایران مطرح باشد؟

اتفاقا برخلاف مقامات ترکیه متأسفانه مسئولین ایران یک نگاه سیاسی و امنیتی به مسائل پیرامونی دارند. لذا مسئله سرمایه خارجی و اتباع خارجی را هم از نگاه سیاسی و امنیتی مورد ارزیابی قرار می‌دهند. این در حالی است که مقامات ترکیه اساسا خوانششی معامله‌گرایانه، منعطف، هوشمندانه و عمل‌گرایانه را در اقتصاد، سیاست، دیپلماسی و دیگر ابعاد مدیریتی به کار بسته‌اند. لذا این تفاوت خصیصه ماهوی مقامات ایران- و ترکیه هم قطعا می‌تواند عامل مهمی در عدم جذب سرمایه در کشور باشد.

• از همین ریهافت وارد کالبدشکافی بحران عمیق تری شویم. همان‌طور که در سوالات قبلی اشاره شد به اعتراف خود مقامات کشور نه تنها مصوبه هیئت دولت به جذب یک مورد سرمایه

۱۰ هزار نفر برای سفر به ایران ذکر کرده‌اند!

البته اینها آمار رسمی است، غیررسمی‌ها و آثانی که به صورت قاچاق هم‌روزه از مرزها عبور کرده و وارد ایران می‌شوند، جداست!!!

سؤال اساسی این است که نهادها و مقامات مسئول چه کنترل و نظارتی بر این حجم گسترده مهاجرت‌ها دارند؟

■ آیا می‌دانند اتباع به کجا می‌روند؟

■ در کجا اسکان می‌گیرند؟

■ دارای چه گرایش و وابستگی هستند؟

■ به چه نیثی به سمت ایران آمده‌اند؟

■ اگر به قصد پناهندگی است، چرا اغلب خانواده خود را همراه نیاورده و مجرد آمده‌اند؟
■ اگر صرفا برای کار و اشتغال آمده‌اند، دارای چه میزان سواد کلاسیک و مهارت‌های شغلی هستند؟

■ در شرایط بروز بحران، چه نشانه و ردی از آنها در دسترس است که بتوانند آنان را



اطلاعات و آگاهی لازم و کافی را دارد. ضمن اینکه باید این واقعیت را هم در نظر گرفت که اگر حجم تبادل پول و ارز از یک سقف مشخص عبور کند فورا نهادهای نظارتی، هم به مسئله ورود می‌کنند، حال اینکه مسئولان مربوطه به این مسئله واکنش جدی نشان نمی‌دهند و به رغم اینکه تمامی این انتقال پول و ارز به ترکیه و دیگر کشورهای کاملا قابل رصد و قابل کنترل است، اما توفقی در خروج سرمایه از کشور صورت نمی‌گیرد تردیدهای جدی را به وجود می‌آورد که یا عده‌ای در داخل کشور به عمد در حال کسب و ملت با تحریم‌های ظالمانه و یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا و بحران اقتصادی و معیشتی دست به گریزانند یا عده‌ای به شکل مستقیم یا غیرمستقیم در این خروج سرمایه از کشور و خرید خانه در ترکیه سهیم و دخیل هستند. در کنار آن فرض سوم این است که آیا این پول‌ها و سرمایه‌ها به مقصد ترکیه پول‌های تمیزی هستند یا خیر؟

• با در نظر داشتن هر سه فرض شما می‌توان به این منخرج مشترک و فرض چهارم هم رسید که **شاهد پول‌شویی در سایه خروج ارز و سرمایه از کشور با هدف خرید خانه در ترکیه هستیم**؟

اجازه دهید به جزئیات و مصادیق مسئله ورود نکتم.

• بسیار خب! سؤال دیگری که باید پرسید این است که چرا در دولت رئیسی نه تنها این روند متوقف نشد که شاهد تشدید خروج و فرار سرمایه از کشور با هدف خرید خانه در ترکیه هستیم؟

پاسخ به این سؤال مشخص است، چون به نظر می‌رسد دولت رئیسی هم برنامه‌ریزی مشخص و ریل‌گذاری روشنی در حوزه اقتصادی ندارد که بخواهد روندهای گذشته را تغییر و حداقل، تعدیل کند. واقعا در طول این هشت ماهی که از عمر کابینه سیزدهم می‌گذرد شاخصه مثبتی که نشان دهد دولت به دنبال تغییر اوضاع است وجود ندارد. نه تنها هیچ برنامه‌ای ارائه نشده است که حتی شاهد یک سردرگمی جدی بین اجزا و وزارتخانه‌های دولت در حوزه اقتصادی و معیشتی هستیم. خود این مسئله برای افرادی که دارای سرمایه‌های کلان هستند بیشتر نگران‌کننده است و چون پیش‌تر عنوان کردم در علم اقتصاد سرمایه به جایی خواهد رفت که در آنجا ثبات و امنیت اقتصادی وجود داشته باشد بنابراین طبیعی است که سرمایه‌ها به شکل فراینده‌ای از کشور خارج شوند. به دنبال این نکته اگر شرایط فعلی و مسیر کنونی دولت در حوزه اقتصادی با همین روند ادامه پیدا کند باید منتظر باشیم که سرمایه‌های بیشتری از کشور خارج شوند چون سرمایه‌گذار داخلی به چشم خود می‌بیند که دولت نتوانسته است هیچ تحول اقتصادی مثبت، ولو حداقلی در کشور ایجاد کند. زیرا اساسا دولت سیزدهم متأسفانه برنامه‌ای برای تحول اقتصادی ندارد. بنابراین هیچ دلیل، توجیه و بهانه‌ای برای افراد وجود ندارد که بخواهند سرمایه‌های خود را در داخل کشور نگه دارند. ضمنا واقعا نمی‌توان با دستور اقتصاد را کنترل و مدیریت کرد، کما اینکه دولت‌های قبلی هم نتوانستند با نگاه دستوری اقتصاد را مدیریت کنند.

• با توجه به این آسیب‌شناسی حضرتعالی از ضعف دولت رئیسی در پیشبرد حوزه اقتصادی و معیشتی کشور به عنوان عامل و پارامتری مهم در خروج و فرار سرمایه داخلی از کشور آیا عدم احیای برجام

هم می‌تواند عامل مضاعفی در این حوزه باشد. چون همان‌گونه که پیش‌تر اشاره کردید تحریم‌های آمریکا یکی از عوامل شکست ورود سرمایه خارجی به کشور بود. از این منظر می‌توان پارامتر مذکور را در خصوص جذب سرمایه‌های داخلی هم مطرح کرد. حال در چنین شرایطی به باور شما اگر برجام احیا شود و شاهد حصول توافق در وین باشیم می‌تواند به جذب سرمایه داخلی و حتی خارجی کمک کند یا خیر؟

از نگاه من احیای برجام و لغو تحریم‌ها تنها یک مُسکن برای اقتصاد ایران است.

• چرا؟

چون با احیای برجام ایران تنها می‌تواند به بخشی از پول‌های بلوکه‌شده خود در سایر کشورها دسترسی پیدا کند و در کنار آن ایران می‌تواند در سایه رفع تحریم‌های حوزه نفت به فروش بیشتر انرژی در بازارهای جهانی دست یابد. لذا وضعیت اقتصادی ایران کمی به حالت عادی باز خواهد گشت. ولی نکته اینجاست که در صورت احیای برجام معلوم نیست این وضعیت تا چه زمان و تا چه اندازه‌ای بسادوام و باثبات باشد. چراکه امکان دارد با روی کار آمدن دولت جدید در ایالات متحده و یا حتی پیش‌تر آن از با پیروزی و برتری جمهوری خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، اساسا توافق احتمالی با دولت بایدن کنار گذاشته شود. بنابراین این توافق نمی‌تواند چندان پایدار باشد.

• پس از این بابت است که شما احیای برجام و حصول توافق در وین را یک مُسکن می‌دانید نه درمان؟

خیر. حتی اگر برجام یک توافق پایدار و طولانی مدت با آمریکا باشد باز هم تأثیر شگرفی بر اقتصاد ایران نخواهد داشت.

• به چه دلیل؟

چون همان‌گونه که قبلا گفتم احیای برجام می‌تواند به آزادی برخی منابع ارزی در سراسر کشور کمک کند و در کنار آن درآمد‌های نفتی ایران هم قدری افزایش یابد و به دنبال این دو مجددا تکیه دولت روی منابع آزادشده و درآمد‌های نفتی خواهد بود. همان‌گونه که دولت‌های پیشین هم به این دو تکیه کرده‌اند. این یک رویه ثابت، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب بوده که هر زمان که درآمد فروش نفت افزایش پیدا کرده است، دولت‌ها در اداره امور کشور با فراغ بال بیشتر عمل کرده‌اند و هر زمان که فروش نفت کاهش پیدا کرده و یا به دلیل تحریم‌ها دولت دچار محدودیت شده است مشکلات اقتصادی و معیشتی به‌خصوص برای مردم افزایش یافته. لذا مشکل اساسی جای دیگری است.

• و آن مشکل چیست؟

مشکل اینجاست که ساختار اقتصادی ایران یک ساختار معیوبی است. تا زمانی که وابستگی دولت به درآمد‌های رانتی ناشی از فروش نفت اصلاح نشود اتفاقی نظیر احیای برجام و لغو تحریم‌ها تنها می‌تواند یک مُسکن برای اقتصاد بیمار ایران باشد. اتفاقا در نظر من تحریم‌ها به رغم تمام مافیاهای و چالش‌های اقتصادی و معیشتی برای مردم می‌توانست فرصت مغفتمی برای اقتصاد ایران باشد تا از درآمد‌های رانتی حاصل از فروش نفت خلاص شود. اما متأسفانه چه دولت روحانی و چه دولت رئیسی نتوانستند از این فرصت استفاده کنند. چون در این برعه می‌توانستند اقتصاد ایران را بدون رفع تحریم به یک اقتصاد بدون وابستگی به درآمد‌های نفتی بدل کنند. لذا تا زمانی که اقتصاد ایران وارد یک فضا و روند روشن، سالم، شفاف و رقابتی نشود و کماکان متکی به درآمد‌های حاصل از فروش نفت باشد، نه تنها احیای برجام و لغو تحریم‌ها به رفع برخی مشکلات کمک نمی‌کند که می‌تواند در میان مدت و بلندمدت مشکلات را دوچندان کند. شما در همین چند روز اخیر دیدید که برخی مافیاهای وطنی اجازه ورود خودرو و یا حتی گوشت به داخل کشور را ندادند تا منافع آنها در این شرایط سخت که مردم با بحران معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند کماکان محفوظ بماند. بی‌شک با وجود چنین مافیاهایی، احیای برجام و لغو تحریم‌ها شاید در کوتاه‌مدت آثار مثبت روانی مقطعی بر اقتصاد ایران داشته باشد، اما بعد از گذشت مدتی دوباره مشکلات به شکل جدی‌تر و پررنگ‌تری در اقتصاد و معیشت خودنمایی خواهد کرد؛ مشکلاتی که هم باعث فرار سرمایه‌های وطنی از کشور و در عین حال عدم جذب سرمایه خارجی شده است.